

ارزیابی جایگاه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در قضاودایی

هادی خرسند آستانجین^۱، مسعود ارجمند^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

^۲ کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

نام نویسنده مسئول:

هادی خرسند آستانجین

چکیده

زمینه و هدف: امروزه توجه به حقوق اطفال و نوجوانان و رویکرد مبتنی بر حمایت از کودک در تمام سیاست گذاری های کشور به طور خاص در حوزه حقوقی، بخشی از فرآیند توسعه ملی به شمار می رود. سیستم های دادرسی کیفری با هدف بالا بردن بهره وری و تاثیرگذاری اقدامات در بستر پیشگیری و واکنش نسبت به پدیده مجرمانه، به تمایز های جسمانی و روان شناختی اطفال و نوجوانان و بزرگسالان و لزوم افتراقی سازی دادرسی این افراد توجه کرده و سیاست های متعددی را بنیان گذاشتند. یکی از این سیاست ها قضاودایی می باشد. پلیس ویژه اطفال و نوجوانان از جمله ابزارهایی است که در جهت اعمال قضاودایی به عنوان سیاستی نو در حقوق کیفری ایران مطرح می باشد. این پژوهش تلاش می کند با بررسی حقوق کیفری ایران، امکان یا عدم امکان تبیین نقش قضاودا برای پلیس را مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد عملکرد پلیس به دلیل خلاء ها و تعارضات و ابهامات تقنینی متعدد در قوانین موجود و وجود چالش های ساختاری از قبیل فقدان فرهنگ سازمانی متناسب با دادرسی اطفال، ضعف در تخصص گرایی سازمان پلیس و فقدان مهارت های ارتباط گیری مناسب و موثر در قبال این قشر از افراد، وافی به مقصود نبوده و نه تنها به لحاظ تقنینی امکان و اختیار قضاودایی برای این نهاد فراهم نشده، بلکه با فرض وجود بستر تقنینی، چالش های ساختاری مانع از تحقق نقش قضاودایانه برای پلیس می شود.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان، قضاودایی، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، دادرسی افتراقی، حقوق کیفری ایران.

مقدمه

آینده اطفال و نوجوانان که امروزه درصد قابل توجهی از جمعیت ایران را در بر گرفته اند، از نگرانی‌هایی است که جامعه حقوقی را متوجه خود ساخته است. امروزه توجه به حقوق اطفال و نوجوانان و رویکرد مبتنی بر حمایت از کودک در تمام سیاست‌گذاری‌های کشور به طور خاص در حوزه حقوقی، بخشی از فرآیند توسعه ملی به شمار می‌رود. چراکه خروج دولت‌ها از چالش‌های گوناگون کنونی و پیشگیری از تکرار نا بهنجاری‌ها و نا بسامانی‌ها، رابطه‌ای شفاف با رویکرد پاسخ‌دهی به رفتارهای معارض قانون اطفال و نوجوانان به عنوان آینده‌سازان جوامع دارد.

از این رو سیستم‌های دادرسی کیفری با هدف بالا بردن بهره‌وری و تاثیرگذاری اقدامات در بستر پیشگیری و واکنش نسبت به پدیده مجرمانه، به تمایزهای جسمانی و روان‌شناختی اطفال و نوجوانان و بزرگسالان و لزوم افتراقی‌سازی دادرسی این افراد توجه کرده و سیاست‌های متعددی را بنیان گذاشتند. یکی از این سیاست‌ها قضا‌دایی از دادرسی اطفال و نوجوانان است که به طور صریح از دوره مکتب دفاع اجتماعی نوین ناظر بر اطفال مطرح شده و تاکید بر پاسخ‌های غیر کیفری (خارج از دستگاه کیفری) دارد.

این سیاست که با هدف رفع معایب دستگاه قضایی و پیشگیری از تکرار بزه و به طور خاص تر اصلاح اطفال و نوجوانان معارض قانون مطرح شده، در جهت محدود نمودن صلاحیت نهادهای دستگاه قضایی به نفع سایر نهادها و روش‌های دیگر رسیدگی است و مانعی برای ورود افراد به دستگاه قضایی و جلوگیری از بسیاری از آسیب‌های منشعب از فرآیند قضایی می‌باشد.

این مفهوم اگرچه عمدتاً در ارتباط با مقامات تعقیب جرم متبادر به ذهن می‌شود، اما باید توجه داشت با در نظر گرفتن هدف و آثار آن نه تنها امکان توسل به این سیاست در مرحله کشف جرم وجود دارد بلکه الزام توسل به این سیاست بر ما ثابت شده است.

برای توسل به قضا‌دایی در مرحله کشف جرم، ضرورتی که به واسطه توجه به تمایزات شخصیتی کودکان و نوجوانان، ساختار جرایم ارتكابی آنان، کاستن هزینه‌های دادرسی کیفری و از این قبیل دلایل در مقام تحقق سیاست قضا‌دایی، قابل تردید نیست، ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان است. این نهاد که نشأت گرفته از ۱- سادگی و بی تجربگی کودکان و نوجوانان در ارتكاب بزه ۲- آمادگی روانی برای اصلاح و تربیت می‌باشد، نمایانگر اهمیت خروج هر چه سریع‌تر اطفال و نوجوانان از فرآیند جرم‌زای دادرسی است که از همان اولین مراحل ورود طفل و نوجوان، شرایط و اوضاع و احوال ارتكاب جرم توسط این قشر از افراد را در نظر گرفته و از عوارض ورود طفل به فرآیند دادرسی کیفری- از جمله تکرار جرم و پایداری بزهکاری- پیشگیری می‌کند.

بدین ترتیب با عنایت به اینکه از یک سو شرایط فرآیند دادرسی کیفری به عنوان بخشی از عوامل تکرار جرم مطرح می‌شود که البته بر آمده از عدم رعایت شاخص‌های خاص مربوط به اطفال و نوجوانان در فرآیند دادرسی می‌باشد و از سویی دیگر اتفاق نظر بیشتر حقوقدانان بر این گزاره که رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان از طریق فرآیند رسمی نه تنها موجب اصلاح آنان نمی‌شود، بلکه در بسیاری موارد بستر ارتكاب جرمی دوباره را فراهم می‌آورد، نگارندگان را بر آن داشت تا با توجه به جایگاه مهم و خاص پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در عرصه پیشگیری از تکرار جرم (پیشگیری ثالث) به طرق مختلف، ضمن تبیین بسترهای بین‌المللی ایجاد پلیس ویژه و قضا‌دا، محول کردن وظیفه‌ای قضا‌دایانه به پلیس را امکان‌سنجی کنند. در واقع به دنبال آن هستند تا به این سوال پاسخ دهند که «پلیس اطفال و نوجوانان را می‌توان به مثابه نهادی قضا‌دا در فرآیند دادرسی اطفال و نوجوانان ممکن دانست؟ پارامترهای اجرایی شدن پلیسی، ویژه و قضا‌دا کدام می‌باشد؟»

تعریف پلیس قضا‌دا

قضا‌دایی^۱ به معنای خارج ساختن عملیات مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی ناشی از جرم از فرآیند اقدامات رسمی سیستم عدالت کیفری [۱]، از جمله تدابیری است که امروزه به منظور دور کردن مجرمان از آسیب‌های ناشی از تماس مستقیم آنان با سیستم عدالت کیفری، مورد توجه طرح ریزان و مجریان دستگاه عدالت کیفری قرار گرفته شده است. با این که اهداف مربوط به برنامه‌های قضا‌دایی را می‌توان تمامی افرادی دانست که به نوعی مرتبط با جرم یا رفتارهای منحرفانه می‌شوند، با این حال توجه برنامه‌های قضا‌دایی را بیشتر باید معطوف به گروه‌های خاص از جمله کودکان و نوجوانان معارض قانون دانست [۲]. تعریفی که با بومی‌سازی مفهوم قضا‌دایی در جرایم اطفال و نوجوانان می‌توان بیان داشت عبارتست از: راهکاری که به دنبال پیشگیری از ورود اطفال و نوجوانان به فرآیند دادرسی رسمی کیفری بوده و در صورت ضرورت ورود آنان به این فرآیند، به دنبال رویارویی حداقلی اطفال و نوجوانان با دستگاه قضایی و کوتاه کردن مراحل رسیدگی می‌باشد.

^۱ diversion

نتیجه چنین روشی خروج فرد مظنون از فرآیند رسیدگی قضایی کیفری بوده (غیرقضایی کردن) که به صورت غیررسمی و از راه دور با اعمال اختیارات اداری در جریان رسیدگی به پرونده و نیز با پیاده کردن طرح های رسمی صورت می گیرد. [۳].

با وجود اینکه برنامه های قضاودایی در هر مرحله از فرایند رسیدگی کیفری قابل اجراست، اما عنایت به این تدابیر و فرایند مداخلات ضابطان اهمیت به سزایی دارد. عملکرد پلیسی یکی از ابتدایی ترین و در عین حال غیر اجتناب ترین فرایندهای وقوع هر جرم می باشد. بدیهی است مواجهه طفل با نیروها و عملکرد پلیس، هم احتمال برچسب زنی به رفتار طفل یا نوجوان را افزایش می دهد و هم موجبات آشفتگی روانی آنان را فراهم می سازد. [۴].

مهمترین اهداف تبیین نقش قضاودایانه برای پلیس را می توان در پرهیز از واکنش های غیر معقول در برابر اطفال و نوجوانان معارض قانون، جلوگیری از افزایش تکرار جرم در کودکان از طریق اجرای برنامه های قضاودایی، مدیریت رسیدگی به جرایم این قشر آسیب پذیر از طریق قضاودایی و به تبع آن جلوگیری از ورود آنان به دادرسی رسمی جستجو نمود.

لذا چنانچه بخواهیم تعریف جامعی از پلیس قضاودا ارائه کنیم می توان گفت پلیس قضاودا عبارت است از: پلیسی که با تمسک به اقدامات قضاودایانه از ارجاع پرونده به مسیر دادرسی رسمی پرهیز و ضمن تلاش در ارجاع پرونده ها به واحد های مددکاری و خدمات اجتماعی، امکان رسیدگی به عمل مجرمانه را در خارج از نظام قضایی جستجو می نماید.

منابع بین المللی مبین نقش قضاودا برای پلیس

امروزه قضاودایی در دادرسی اطفال و نوجوانان از ابعاد گوناگون مورد توجه اسناد بین المللی هستند. نگرانی ها در عرصه سیاستگذاری و فکر اینکه روبرویی اطفال با دستگاه عریض و طویل قضایی، ممکن است آثار نامطلوبی را در روحیه آنان بر جای گذارد و روند اصلاح و تربیت آنان را به دلایلی که مشهود است به تعویق اندازد، سبب شد تا قضاودایی مورد عنایت سازمان ملل متحد بگیرد. [۵].

توجهات بیش از پیش به راهکار قضاودایی به ویژه در مرحله کشف جرم و نتایج مثبت آن سبب شد تا در سازمان ملل متحد در اسناد مختلف دولت ها را به توجه خاص به قضاودایی پلیسی الزام و در اسنادی دیگر توصیه نماید.

تاکیدات اسناد بین المللی در رابطه با نقش قضاودایانه برای پلیس در مرحله کشف جرم جلب توجه می کند. بر اساس این مقررات، بند ۲- ۱۰ مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (قواعد پکن، ۱۹۸۵)، اصرار بر خلاصی نوجوان معارض قانون در تماس اولیه دارد. در بند ۱۱ مقررات مذکور، با عنوان تغییر مسیر رسیدگی، تاکید بر این مسئله دارد که در مواجهه با معارضان قانون نوجوان، حتی الامکان بدون توسل به محاکم رسمی موضوع حل و فصل شود.

همچنانکه ماده ۲- ۱۱ مقرر می دارد، پلیس یا سایر نهاد های دخیل در بزهکاری نوجوانان بایستی اختیار حل و فصل بدون توسل به دادرسی جزایی رسمی، براساس معیارهای موجود در هر نظام حقوقی و البته مطابق با اصول مندرج در این قانون با صلاحدید خودشان داشته باشند. در این ماده اخیرالذکر خروج موضوع از مراحل رسمی، در مرحله کشف جرم مطرح می باشد که توجهی بر پلیس ویژه اطفال و نوجوانان که البته در جمع با مواد ۱۲ و ۲۲ است می توان برداشت کرد.

در بند ۵۸ از بخش ششم اصول راهبردی سازمان ملل برای پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان، موصوف به رهنود های ریاض (۱۹۹۵) با عنوان قانونگذاری و اجرای عدالت آمده و بیان داشته است:

« پلیس و کارکنان مرد و زن مرتبط باید آموزش ببینند تا به نیازهای خاص اشخاص جوان پاسخ بدهند و در بالاترین میزان ممکن با برنامه ها و امکانات و ارجاع برای تغییر مسیر رسیدگی اشخاص جوان از نظام عدالت آشنا بوده و از آنها استفاده کنند.»

از دیگر اسنادی که در عرصه بین الملل مطرح و ایران هم آن را پذیرفته، کنوانسیون کودک (۱۹۸۹) است که بر خلاف دو سند قبلی، جنبه الزام آور دارد. مقررات پیش بینی شده در این سند، عبارتند از: توجه به نیازهای اولیه کودکان^۱، حمایت^۲، پیشگیری^۳، مشارکت^۴ [۶].

مقرراتی که به طور خاص در بند ب ماده ۳۷ و بند های ۳ و ۴ ماده ۴۰ بیانگر اهمیت بالای قضاودایی از رفتار های در تعارض با قانون اطفال و نوجوانان دارد. این مواد پیش گفته به طور کلی بر بازسازی اجتماعی و واکنش هایی غیر از مجازات و تحقیر طفل و نوجوان تاکید دارند.

1 . provision
2 . protection
3 . prevention
4 . participation

امکان سنجی تحقق قضازدایی توسط پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در ایران

امکان سنجی تقنینی

بررسی سوابق موجود در رابطه با ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و نقش قضازدایانه آن نشان می دهد که با وجود تصویب قوانینی چون قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهدار مصوب ۱۳۳۸ و همچنین قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و فراز و نشیب هایی که داشته، اما تاکنون در محور سیاست جنایی اجرایی چه از نظر شکلی و چه از نظر ماهوی، پیشرفت چشم گیری حاصل نشده است. [۷].

در واقع به رغم اینکه گام هایی در قوانین پیش گفته در زمینه افتراقی کردن دادرسی اطفال و نوجوانان برداشته شده است اما به واسطه اینکه وظایف ضابطان دادگستری را در حوزه تحقیق بر عهده دادگاه قرار داده است، هیچ گاه به نحو جدی به تاسیس پلیس ویژه و اختیارات آنان توجهی نشده است.

از سال ۱۳۹۲ و با تاسیس قانون آیین دادرسی کیفری، قانونگذار ایران به لزوم برخورد متفاوت با جرایم اطفال و نوجوانان توجه داشته و ضمن تشکیل دادگاه و دادسرای ویژه این افراد، در ماده ۳۱^۱ قانون مذکور، اقدام به ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نموده است. این اقدام را که بدون شک می تواند به عنوان گامی مثبت و امیدوارکننده در زمینه بر طرف کردن دغدغه های مربوط به انسجام و نهادسازی در مرحله کشف جرم (پلیسی) قلمداد کرد اما قانونگذار در مواد چون ماده ۲۸۵ و تبصره های آن، تمام وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری را بر عهده دادگاه اطفال قرار داده است و از سوی دیگر در قوانین مرتبط همچون قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۳۸۱ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در رابطه با اختیارات پلیس در قبال اطفال و نوجوانان سکوت اختیار شده است. البته نکته ای که در حوزه تقنین نباید از آن غافل ماند، گام رو به پیشرفتی است که راجع به ساختار و افزایش اختیار عملکرد پلیس در قبال اطفال و نوجوانان در پیش نویس لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال پیش بینی شده است. در این پیش نویس در مواد مختلفی از جمله مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۷ و [۸] با پیش بینی واحد مددکاری اجتماعی، واحد حمایت از بزه دیدگان، واحد پیشگیری، تعیین تکلیف ساختار پوشش پلیس و چگونگی برخورد با متهمان و افراد دخیل در پرونده، تعیین تکلیف کیفیت معماری مکان های تحت نظر و ایجاد امکان میانجیگری با نظر مقام قضایی، گام های مثبتی در جهت ایجاد بسترهای قضازدایی برداشته شده است. هر چند به واسطه اینکه در نهایت اعمال اختیار قضازدایی در حیطه اختیارات مقام قضایی می باشد، نمی تواند در زمینه ایجاد نقش قضازدا برای پلیس حل کننده مشکل باشد.

با این حال پلیس به طور خودجوش در راستای مختومه کردن پرونده های کیفری به روش هایی چون میانجیگری های غیر رسمی، بزه پوشی و ارجاع به دوایر مشاورین و مددکاران اجتماعی باعث مختومه شدن و بایگانی شدن پرونده می گردد [۹]، اما همه این اقدامات بدون هیچ اختیار قانونی در مورد قضازدایی به پلیس می باشد. لذا به لحاظ تقنینی این امکان و بستر برای اجرایی کردن و تحقق بخشیدن نقشی قضازدا برای پلیس وجود ندارد.

امکان سنجی ساختاری

در کنار فراهم کردن بسترهای قانونی و پر کردن خلاء های تقنینی، ایجاد پلیس ویژه و قضازدا برای برخورد با اطفال و نوجوانان معارض قانون بدون در نظر گرفتن زیر ساخت های لازم و ضرورت های خاص آن امکان پذیر نبوده و حتی در صورت تشکیل نمی تواند وافی به مقصود باشد. لذا باید به رفع چالش های بنیادین موثر در ثمر بخشی، به لحاظ ساختاری نیز پرداخت.

مطالعات انجام شده حاکی از آن است که بسیاری از کودکان و نوجوانان بزهدار در ایران از عملکرد پلیس ابراز نارضایتی می کنند [۱۰] و پیشینه ذهنی خوبی از پلیس و برخوردهای آن ندارند. از این رو توجه به ساختار پلیس اجتناب ناپذیر است. چرا که از یک سو فرهنگ سازمانی نهاد های انتظامی به نحوی است که برخورد های خشن و سخت را تجویز و آن را نشانه قدرت و کاردانی سازمان تلقی می کند و از کارکنان خود به نحو غیر مستقیم هم سویی با این نگرش را می خواهند. در حالی که همانطور که از مبانی حمایتی از اطفال و نوجوانان مطرح است، پلیس باید در قبال این افراد نقشی حمایتی داشته باشد و از نگرش اتهام محوری خودداری کند.

از سویی دیگر نحوه استخدام و ارتقا تخصص واحد های اداری بدون توجه به نیاز سنجی، هدف گذاری و برنامه ریزی و در مرحله آخر فقدان بستر های ارتباطی موثر و مفید در سازمان پلیس می باشد. بدین معنا که هنگامی که پلیس دارای مهارت های ارتباطی با کودکان و نوجوانان نباشد به تبع آن دیگر نمی توان انتظار حل و فصل مشکلات از طریق ارتباط گیری و شناسایی مشکلات این افراد داشت [۱۱].

^۱. به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه ای است که توسط رئیس قوه قضایه تهیه می شود.

بنابراین این ضعف‌ها در پلیس ایران سبب شده بسترهای ساختاری برای داشتن پلیسی قضاذا فراهم نشود. چراکه جز از طریق رفع این خلاها نمی‌توان به مدینه فاضله در مرحله کشف جرم که همان قضاذایی مطلق توسط ضابطان دادگستری می‌باشد دست یافت. از این رو در جهت ایجاد بستر برای داشتن پلیسی قضاذا پارامترهایی ارائه می‌گردد. که باید در قوانین مربوط به تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به آن‌ها توجه شود. اگر چه همانطور که در امکان‌سنجی تقنینی اشاره شد، مواردی در لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته است.

پارامترهای پلیس قضاذا

توجه به هدف اصلی از پیش‌بینی راهکار قضاذایی در مقابل اطفال و نوجوانان بزهکار، ایجاب می‌کند که مرحله نخستین برخورد ماموران انتظامی با اطفال و نوجوانان بزهکار به الزامات و ویژگی‌های خاص این گروه سنی توجه شود. قضاذایی بسیار مؤثرتر نسبت به سیستم دادرسی جزایی برای نوجوانان است و رهبرای دولتی و قانونگذاران با استفاده از راهکار قضاذایی می‌توانند موفقیت بیشتری در رفتار با مجرمین نوجوان کسب کنند. همچنانکه این رویکرد جدید به نوجوان کمک می‌کند تا از بزهکار بودن دور باشد و بدین ترتیب روند پیشرفت و اصلاح را به سرعت طی کند [۱۲]؛ چراکه در غیر اینصورت نمی‌توان جایگاهی قضاذایانه برای این نهاد در نظر گرفت و پیش‌بینی سازوکارهای قضاذایانه چون اخطار و سپردن به والدین و ...، ناکارآمد و صوری و نمادین جلوه خواهد کرد.

پلیس علاوه بر اینکه یکی از اجزای مهم عدالت کیفری و نقطه ورود مجرمین به فرایند کیفری است، می‌تواند نقش بسیار مهمی را در دادرسی عادلانه و پیشگیری از جرم ایفا نماید. در صورت برخورد نامناسب پلیس، جبران نتایج آن به سهولت ممکن نخواهد بود؛ زیرا به طور کلی اشتباهات قضایی در مرحله دادرسی، دادگاه و مراحل بالاتر قابل جبران است ولی اشتباهات و خطاهای پلیسی به سهولت قابل جبران نیست [۱۳]. به این ترتیب تشکیل نهاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان جهت رسیدگی به بزهکاری اطفال و اجتناب از برخورد آنان با نظام قضایی رسمی، ضرورت پیدا می‌کند. نهادی که در بردارنده نقشی حمایتی و تاثیرگذار است و پیش از ورود سایر مقامات قضایی در رسیدگی به جرم، از آن مطلع شده و تحقیقات مقدماتی را انجام می‌دهند [۱۴].

لذا رویکرد این نهاد در پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان به نحوی است که پس از طی آموزش‌های لازم در وهله اول و تسهیل فرآیند پاسخ دهی به جرایم ارتكابی در مرحله بعدی، به منظور حمایت از اطفال و نوجوانان بزهکار و بزه دیده در مرحله قبل و پس از وقوع جرم، اقدامات مقتضی را بر اساس قانون به عمل می‌آورد. البته جهت قرار دادن چنین اختیاری برای حل و فصل اصلاح‌آمیز، یک سری مقدمات پلیسی لازم می‌باشد.

برای اینکه پلیس در جهت چنین ماموریتی خود را قرار دهد و قضاذایی قابل تصور باشد، مستلزم آن است تا مقدماتی فراهم شود:

انتظامی بودن پلیس نه نظامی بودن آن

آموزش‌های پلیس در فضایی که با آداب و رفتار نظامی سخت صورت می‌گیرد، نباید برگزار شود و در گزینش ماموران نیز نباید به توانایی فیزیکی، علاقه مند به مبارزه و اجرای بی‌چون و چرای تصمیمات فرماندهان اکتفا شود. به عبارت دیگر این شیوه نظامی گونه در پلیس مشکلات زایدالوصفی را نه تنها در محیط آموزشی، بلکه در فرهنگ عمومی سازمان پلیس ایجاد کرده است و به پلیس ذهنیتی جنگجویانه داده است که افرادی خشن و قوی و تمایل به یافتن دشمن دارند و تنفر خود را نشان می‌دهند [۱۵].

شاید بتوان به طور قاطع گفت که ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به صرف آوردن چنین واژه‌ای در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری و زدن تابلو بر سردر اتاقی در کلانتری‌ها تحت چنین عنوانی، هدف را برای ما تحقق نمی‌بخشد و گام اول تغییر در ساختار سازمانی و تربیت و آموزش است.

بنابراین اولین اقدامی که باید همزمان و یا حتی پیش از تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در سازمان پلیس صورت پذیرد، آموزش پرسنل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به منظور نیل به اهداف از پیش تعیین شده است. برنامه‌های آموزشی، لازم است در بردارنده مهارت‌های ارتباطی با اطفال و نوجوانان، روانشناسی، جرم‌شناسی، آشنایی با قوانین و علوم تربیتی و جامعه‌شناسی و با هدف توانمندسازی پلیس در جهت رویارویی با تغییرات روزافزون و پیچیده، بهبود عملکرد پلیس با توجه به پژوهش‌های ارزیابی، تربیت و ایجاد آگاهی در زمینه تخصصی پلیس اطفال و نوجوانان در جهت کاهش آسیب کمتر به این گروه سنی، توسعه و استقرار عملکرد جدید، ایجاد شرایط لازم در زمینه‌های پلیسی برای چرخش شغلی و تخصصی شدن به عنوان بخشی از برنامه‌های توسعه حرفه‌ای کارکنان پلیس باشد [۱۶].

ایجاد رویکردی مسئله محور

بازپروری اطفال و نوجوانان معارض قانون و برطرف کردن خلاء های فرایند رشد آنان همواره بنیادی ترین هدف حقوق کیفری اطفال و نوجوانان بوده است. چه اینکه در پرتو این هدف، نیازهای فردی و محیطی این افراد شناسایی شده و در راستای برطرف شدن آنها اقدامات مناسب به کار گرفته می شود [۱۷]. از افسران پلیس انتظار می رود تا مشکلات را مفهوم سازی کرده و به دنبال راه حل مناسبی بر آن باشد. پلیس باید نحوه مشارکت در یادگیری، انتقادپذیری، تعامل موثر با شهروندان و اجازه داشته باشد در بحث های گروهی شرکت نموده و قدرت تجزیه و تحلیل و حل مسئله را در خود افزایش دهند و از طرفی آزادی عمل داشته باشند تا دامنه وظایف خود را در حوزه گسترده تری ببینند.^۱ پلیس باید خود را همچون خادم و حامی برای کودکان و نوجوانان بداند نه صرفا پلی برای ورود به فرایند دادرسی رسمی. از این رو لازم است تا فرهنگ سازمانی پلیس نیز تغییر یابد که مبتنی بر شاخص هایی چون همکاری کارکنان در امور محوله، تشکیل گروه های کاری ویژه، تساهل پذیری در انجام کارها و ایجاد قدرت براساس کاردانی و حذاقت [۱۸]، ایجاد و تقویت حس مسولیت پذیری و همکاری بین بخشی و چند نهادی در امور اطفال و نوجوانان است.

در نظر گرفتن ساختاری متناسب با اطفال و نوجوانان

مرحله دستگیری کودکان، مرحله ای حساس و کودک روحیه ای حساس و آسیب پذیر دارد. خشونت یا اقدامات شدید ممکن است حس انتقام، کینه جویی و سرکشی را در او برانگیزاند و اثر بد و نامناسب دیگری را بر جای گذارد که هرگز قابل جبران نباشد [۱۹]. به این ترتیب با توجه به ویژگی های شخصیتی اطفال و نوجوانان، استفاده از روش های متداول کشف برای این گروه سنی بسیار آسیب زا بوده و می تواند اثرات جبران ناپذیری داشته باشد. شیوه دستگیری و محل بازداشت، به ویژه برای اطفال و نوجوانان (معارض قانون) که برای اولین بار مرتکب جرم شده اند می تواند از نظر روحی و روانی تاثیرگذار باشد و تصویری منفی از پلیس یا ضابط خاص را در ذهن اطفال و نوجوانان بیافریند.

این رفتار می تواند اطفال و نوجوانان را نسبت به عمل ارتكابی آگاه و پشیمان سازد یا بالعکس آنها را در ابتدای فرآیند به سمت و سوی کسب هویت مجرمانه سوق دهد.

لذا مرحله پلیسی جنبه ی فنی داشته و نیاز به آشنایی کنشگران عدالت کیفری در این مرحله با مهارت های حقوقی، روانشناسی و جرم شناسی دارد [۲۰]. از این رو لازم است رفتار با اطفال و نوجوانان به صورت غیر رسمی و با استفاده از سازوکارهای ارتباطی و حمایتی باشد. به گونه ای که کودک، فردی را که مقابل کودک قرار می گیرد نه به عنوان مستنطق بلکه به مثابه دوستی فرض کند تا بتواند علت رفتار خود را بیان کند و رابطه دوستانه و عمیق برقرار شود. [۲۱]. برای مثال اتاق مصاحبه باید حداقل در جایی باشد که صحبت های کودک توسط دیگران شنیده نشود. از پوسترهایی برای نصب روی دیوارها استفاده شود که احساس امنیت و حمایت در کودکان ایجاد نماید. همچنین در بین مصاحبه کننده و کودک مانعی نباشد (مانند یک میز). مهم است که کودکان حین مصاحبه و بیان ماوقع احساس راحتی نمایند.

استقلال و اختیار در اتخاذ تصمیم قضاذا

پلیس ویژه اطفال و نوجوانان که از مظاهر بارز افتراقی بودن سیاست جنایی در قبال اطفال و نوجوانان معارض قانون است، باید بر اصولی استوار باشد تا بتواند نسبت به یزهکار و حسب جرم ارتكابی وی، اقدامات مناسب را اتخاذ و اعمال نماید.

لذا یک فرایند ویژه اطفال در کنار نوع ارتباط گیری، نیازمند ضمانت اجرای پلیسی است که به اقتضای شرایط کودکان و نوجوانان مطرح می شود. [۲۲]. ضمانت اجرایی که همراه با استقلال در اتخاذ آن باشد. پلیس باید بتواند بسته به موضوع و طفل معارض و یا بزه دیده و سایر اوضاع و احوال پیرامونی تصمیم بگیرد استفاده از چه روشی موثر خواهد بود تا طفل و نوجوان را ضمن اصلاح، از مواجهه با سایر نهادهای نظام عدالت کیفری مصون نگه دارد [۲۳].

از اختیارات و ضمانت اجرای مربوط به مرحله کشف جرم و البته ناظر بر دور کردن اطفال و نوجوانان، می توان به ثبت نکردن شکایات بزه دیده، اخطار، سپردن به والدین، تحویل طفل به مراکز بهزیستی، پرهیز از دستگیری افراد بزهکار در جرایم سبک اشاره کرد.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: محمدنسل، غلامرضا، ۱۳۸۷، «پلیس و سیاست پیشگیری از جرم»، اولین همایش ملی پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.

به این ترتیب نیروی انتظامی در کنار ابزارها، تجهیزات و دانش لازم جهت کشف علمی جرایم، با داشتن ساختار مناسب و بالا بردن ظرفیت و البته داشتن اختیارات قضایی می تواند به نحوی اقدام به قضاودایی کرده و از همان ابتدا موجبات خروج طفل از روند رسیدگی رسمی را فراهم سازد. همچنانکه در نیوزلند که برنامه نشست های گروهی خانوادگی معمول و متعارف است و استفاده از دادگاه پس از آن بوده (استثنایی است). پلیس در این کشور علاوه بر وظایف خاص خود به عنوان مقام تعقیب و در نتیجه مقام ذی صلاح تصمیم گیری درباره اینکه چه موضوعی باید تحت تعقیب قرار بگیرد یا بایگانی شود هم کار می کنند [۲۴].

از آنجایی که اختیارات پلیس ویژه می تواند در برخی از موارد پلیس را در مظان اتهام سهل انگاری یا خشونت طلبی قرار دهد و فی الواقع در برخی از موارد پلیس شجاعت اجتهاد متفاوت در موضوعات یکسان را از دست بدهد، اولی است که در متن متقن و مصرح قانونی این نوع اختیارات احصا و ابلاغ شود. هر چند پیش بینی اختیارات بدون ضابطه برای پلیس می تواند به تحدید حقوق دفاعی متهم منجر شود و این امر به هیچ وجه قابل پذیرش نیست [۲۵].

نتیجه

آمار ارتکاب جرم توسط اطفال و نوجوانان به شدت در حال افزایش است و نیاز به اتخاذ یک سیاست موثر در حوزه پیشگیری از جرم از ضروریات محسوب می شود. پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به عنوان خط مقدم واکنش به اطفال و نوجوانان معارض قانون، می تواند نقش مهمی در جهت گیری و تعیین نوع برخورد دستگاه عدالت کیفری ایفا نماید. قانونگذار ایران، با تصویب قوانین متعددی از جمله قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ - با عنایت به اهمیت نقش پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در حوزه پیشگیری ثالث- تا حدی قصد داشته جایگاهی جدید و تاثیرگذار در روند واکنش به اطفال و نوجوانان معارض قانون تعریف کند؛ آنچنانکه منابع بین المللی به طور خاص در مواد مختلفی از اسناد قواعد پکن و کنوانسیون حقوق کودک و رهنمود های ریاض، قرار دادن نقش قضاودا برای پلیس را مورد تاکید قرار داده اند. اما به دلیل آنکه از یک سو، خلاء ها و تعارضات و ابهامات تقنینی متعددی چون تعارض بین مواد ۳۱ و ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که با روشی نامشخص ضمن ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، اختیارات آنان را در برخورد با اطفال و نوجوانان محدود کرده و از سویی دیگر وجود چالش های ساختاری از قبیل فقدان فرهنگ سازمانی متناسب با اطفال، ضعف در تخصص گرایی سازمان پلیس و فقدان مهارت های ارتباط گیری مناسب و موثر در قبال این قشر از افراد باعث شده تا پلیس در اعمال سیاست قضاودایی جایگاهی نداشته باشد. از این رو نه تنها به لحاظ تقنینی امکان و اختیار قضاودایی برای این نهاد فراهم نشده، بلکه با فرض وجود بستر تقنینی، چالش های ساختاری مانع از تحقق نقش قضاودا برای پلیس می شود. لذا با توجه به وضع موجود، با هدف رفع خلاء ها و چالش های تقنینی و اجرایی و در جهت ارتقای کارایی پلیس و مهیا کردن بستری برای قضاودایی پلیسی، بایستی پارامترهایی در نظر گرفته شود. در واقع عدم توجه به این مهم نمی تواند اثرات مثبتی در راستای بهبود جایگاه پلیس ویژه در نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان به همراه داشته باشد. پارامترهای مذکور عبارتند از: نخست تغییر شاکله پلیس از نهادی نظامی به نهادی انتظامی، دوم ایجاد رویکردی مسئله محور، سوم در نظر گرفتن ساختاری متناسب با اطفال و نوجوانان و چهارم استقلال و آزادی اختیار در اتخاذ تصمیم. با توجه و اعمال این پارامترها می توان شرایط را برای اثرگذاری پلیس به عنوان نهادی قضاودا در مواجهه با اطفال و نوجوانان معارض قانون فراهم نمود. پارامترهای ارائه شده همگی برآند تا در ضمن ایجاد رویکردی حمایتی در پلیس، بستر را برای دخالت قضاودا و موثر پلیس در واکنش به اطفال و نوجوانان معارض قانون فراهم آورد.

پیشنهادها

بنا بر یافته های پژوهش، پیشنهادهایی در این خصوص به شرح زیر ارائه می شود:

- ۱) تصویب قوانینی در مورد ساختار کلی، شرایط، وظایف و رویکرد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان.
 - ۲) رفع ابهامات و تعارضات در حوزه اختیارات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری.
 - ۳) توسعه اختیارات قانونی پلیس ویژه در به کارگیری سیستم های غیر قضایی (تذکر، اخذ تعهد از والدین یا سرپرستان قانونی) به منظور پیشگیری از تکرار بزه. (در جرایم کم اهمیت و جرایمی که جنبه خصوصی آن غالب است).
- مطالعه، تحلیل و بومی سازی قوانین خاص پلیس اطفال و نوجوانان کشورهای پیشرفته و موفق در حوزه قضاودایی پلیسی.

منابع و مراجع

- [۱] صادقی، م ه ، ۱۳۸۴، «قضازدایی در حقوق جزای اسلام»، مجله دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۳۸۴.
- [۲] غلامی، ن، مؤذن زادگان، ح، عباسی، م و سلطانی کوهبنانی، س، ۱۳۹۶، «سازوکارهای قضازدایی از مجرمان دارای اختلال روانی در فرایند تحقیقات مقدماتی با تاکید بر الگوهای مداخلات پلیسی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا)»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۴۳، ۱۳۹۶.
- [۳] نجفی ابرنآبادی، ع ح، هاشم بیگی، ح، ۱۳۹۳، «دانشنامه جرم شناسی»، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۳.
- [۴] پور محی آبادی، ح، ۱۳۹۵، «سیاست کیفری و کودکان و نوجوانان بزهکار»، تهران، میزان، ۱۳۹۵.
- [۵] ابراهیمی وریانی، ف، ۱۳۸۹، «حق دادرسی منصفانه کودکان معارض با قانون»، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
- [۶] کشفی، س، ۱۳۸۷، «جایگاه مددکاران اجتماعی و مشاوران پلیس زن در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان»، فصلنامه پلیس زن؛ سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۷.
- [۷] مؤذن زادگان، ح، ۱۳۸۷، «دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران»، فصلنامه ندای صادق؛ سال یازدهم، شماره ۳۳، ۱۳۸۷.
- [۸] کوشکی، غلامحسین؛ ۱۳۹۴، «پلیس ویژه اطفال ونوجوانان در نظام قضایی ایران (ضرورت و کارکردها)»، تهران، نشر مرکز مطبوعات قوه قضاییه، ۱۳۹۴.
- [۹] نجفی ابرنآبادی، علی حسین، ۱۳۸۲، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
- [۱۰] کشفی، سعید، ۱۳۸۷، «جایگاه مددکاران اجتماعی و مشاوران پلیس زن در دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان»، فصلنامه پلیس زن؛ سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۷.
- [۱۱] مؤذن زادگان، حسنعلی، جوادی، حسین، ۱۳۹۵، «الزامات و سازوکارهای تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان (مطالعه تطبیقی: حقوق آمریکا)»، پژوهشکده حقوقی شهر دانش؛ شماره ۵، ۱۳۹۵.
- [12] Lundman Richard (2001), "prevention and control of juvenile delinquency", New York, oxford university press..
- [۱۳] اقلیما، مصطفی، ۱۳۸۲، «پلیس و مددکار اجتماعی»، فصلنامه علمی آموزشی مشاوره و مددکاری ناجا؛ شماره ۷-۸، ۱۳۸۲.
- [۱۴] الیاسی، راحله، ۱۳۸۶، «بایسته های دادرسی اطفال با تاکید بر جایگاه پلیس»، فصلنامه دانش انتظامی؛ سال نهم، شماره ۴، ۱۳۸۶.
- [۱۵] ال بیزر، مایکل، ۱۳۸۳، «آموزش های پلیس جامعه محور براساس نظریه اندرا کوچی»، ترجمه گروه مترجمین مرکز مطالعات کاربردی طرح و برنامه ناجا، تهران، نشر فرات، ۱۳۸۳.
- [۱۶] کمالی، حسن، نیازخانی، مرتضی، ۱۳۹۱، «طراحی و اعتباردهی الگوی تربیت پلس کودکان و نوجوانان جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی؛ سال پنجم، شماره ۴، ۱۳۹۱.
- [17] Lawrence, Richard and Hemans (2008), Craig, juvenile (a text/ reader), sage publisher.
- [۱۸] رابینز، استیون؛ ۱۳۹۴، «مبانی رفتار سازمانی»، ترجمه علی پارساییان و سید محد اعرابی؛ چاپ چهارم، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۹۴.
- [۱۹] شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۲، «بزهکاری نوجوانان»، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
- [۲۰] آخوندی، محمود، ۱۳۸۹، «بازجویی از متهم (متن مصاحبه)»، ماهنامه قضاوت؛ شماره ۶۳، ۱۳۸۹.
- [۲۱] ملک زاده، امیر، هاشمی، حمید، ۱۳۹۰، «بررسی ضرورت تشکیل و تکالیف پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان»، فصلنامه پلیس زن؛ سال پنجم، شماره ۱۴، ۱۳۹۰.
- [۲۲] مهرا، نسرین؛ ۱۳۹۰، «عدالت کیفری کودکان و نوجوانان»، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۹۰.
- [۲۳] مؤذن زادگان، حسنعلی، جوادی، حسین، ۱۳۹۵، «الزامات و سازوکارهای تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان (مطالعه تطبیقی: حقوق آمریکا)»، پژوهشکده حقوقی شهر دانش؛ شماره ۵، ۱۳۹۵.

- [۲۴] مک رای، آلن، زهر، هوارد، ۱۳۸۶، «نشست های گروهی خانوادگی روش نیوزلندی»، ترجمه حسین غلامی؛ چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
- [۲۵] روشن، محمد، ۱۳۸۹، «پلیس کودک و نوجوان»، تهران، نشر چکه، ۱۳۸۹.